



ادبیات

از گذشته‌های بسیار دور، زمانی که انسان، با پدیده‌های ناشناخته و عجیب روبرو می‌شد، به دنبال چاره‌ای بود تا راهی برای آرامش روح و رفع نیاز فطری خود به معنویت (ارتباط با آسمان و غیب) و زیبایی (درونی و بیرونی) بیابد، تا این‌که به تدریج آموخت که از طریق آیین‌های پرستش و با توسل به صوت و کلام و آواهای موزون و ادبیات منظوم (آهنگین)، می‌تواند به مقصود خود برسد.

فهرست مندرجات

- ۱ - ادبیات در آثار قدیمی
- ۲ - ماهیت ادبیات
- ۳ - رسالت ادبیات
- ۴ - منابع برای مطالعه بیشتر
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

ادبیات در آثار قدیمی

قدیمی‌ترین آثار مکتوب به‌جای مانده و نخستین آثار بشر در بین اقوام و ملت‌های مختلف، سروده‌های دینی یا حماسی منظوم هستند، مانند: «گاتا»های زردشت، بخشی از **مزامیر داوود**، قصائد سلیمان، بخش‌هایی از «ودا»ها و «اوپانیشاد»های هندیان قدیم، «ایلیاد» هُمر و حماسه‌های ملی چین و ژاپن. بعدها، **نثر**، پس از شعر و با گسترش دانش بشری در دوره‌های بعد، متداول شده است. اهمیت این مسئله، تا آن جاست که کلام خداوند در قرآن مجید نیز در دوره مکه (یعنی از آغاز بعثت تا سال سیزدهم)، از جنس شعر و مسجع و آهنگین است و نیز از این‌روست که قرآن و اذان و دعاها و مناجات‌ها هم برای این‌که تاثیر بیشتری بر دل و جان مؤمنان بگذارند، با صوت خوش خوانده می‌شوند.

ماهیت ادبیات

در ماهیت ادبیات، گفته شده که: ادبیات، عبارت است از آن‌گونه سخنانی که از حدّ سخنان عادی، برتر و والاتر بوده است و مردم، آن سخنان را در میان خود، ضبط و نقل کرده‌اند و از خواندن و شنیدن آنها دگرگون گشته و احساس غم و شادی یا لذت و آلم کرده‌اند.^[۱] شاعران، با لطف طبع و احساسات دقیق، و نویسندگان چیره دست، با قدرت‌اندیشه و نیروی تخیل و به‌کارگیری بدیع زبان، جلوه و معنای خاصی به کلام بخشیده‌اند و با نفوذ در فکر و جان خواننده، آنان را در غم‌ها و شادی‌های خود شریک کرده‌اند و گاه با ارائه آثار ادبی متنوعی چون: شعر و ترانه، فیلم‌نامه، داستان، رمان و نمایش‌نامه، علاوه بر عاطفه و احساس، آگاهی‌ها و افکار و تجربیات خود را نیز منتقل کرده و جامعه را همدل و متحد ساخته و موجب پیشرفت‌های بزرگ مادی و معنوی شده‌اند؛ بدین‌طریق، گاه چنان تاثیر ماندگاری به‌جا گذاشته‌اند که موجب دگرگونی و تعالی اخلاق و فرهنگ نسل‌ها شده‌اند.

رسالت ادبیات

تأثیرات عمیق و ارزشمند آثار خوب و سالم ادبی بر جامعه، بر هیچ‌کس پوشیده نیست و این آثار، با جامعه، پیوندی استوار دارند. ادبیات، به خاطر بیان و ترویج ارزش‌های اجتماعی و انسانی، برای کلّ جامعه بشری، مفید بوده است. رسالت ادبیات، آشنا کردن انسان با شیوه‌های زندگی بهتر و تلاش برای کمال و پیشرفت، از طریق آموزش، نقد و اصلاح‌گری، اتحاد، مهرورزی و هم‌دردی است و همواره بشر را به سوی آرمان‌های والاّی انسانی، هدایت کرده است. دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن می‌گوید: ادب (که در آغاز، به‌معنای رسم و آیین خوب زندگی کردن بود)، ادب فتنی (یعنی ایجاد آثار ادبی) را گسترش داد و در واقع، ادب نفس با ادب درس، پیوند گرفت و ادبیات، وسیله‌ای شناخته شد برای بهتر و زیباتر زندگی کردن.^[۲] ادبیات، همواره با اخلاق، پیوندی دیرینه داشته و بر مسئله مهم «خودشناسی» تاکید فراوان کرده است و از آنجا که در آموزه‌های اسلامی، خودشناسی، پایه و پیش نیاز خداشناسی معرفی شده است، (پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): آن‌کس خدا را می‌شناسد که خود را بشناسد.^[۳]) می‌توان به اهمیت و جایگاه ادبیات در رشد اخلاق و تقویت ارزش‌های اخلاقی و دینی بیشتر پی بُرد. تولستوی، هنر و ادبیات را از عالی‌ترین تجلیات جمال الهی و به‌وجود آورنده عالی‌ترین لذت‌های روحی و معنوی برای انسان، تعریف می‌کند.^[۴] نظامی (شاعر نامدار ایرانی)، شاعران را پیشرو و راهنمای عالم بشریت دانسته و مرتبه والاّیی به آنان نسبت داده و مقام آنان را پس از پیامبران خدا می‌داند و می‌گوید:

پیش و پستی یافت صفِ کبریا پس، شعرا باشد و پیش، انبیا.

کانت، شاعری را والاترین هنرها می‌پندارد و می‌گوید: شعر، غذای روح و فکر آدمی و آموزنده است.^[۵] در پایان، می‌توان چنین گفت که هنر و ادبیات، در تمامی اهداف و رسالت‌ها، دارای ویژگی‌های مشترک و یکسانی هستند و هیچ حدّ و مرزی، آنها را از هم جدا نمی‌کند و شاید بتوان گفت که در اصل، ادبیات، بخشی از هنر است؛ اما آن بخشی است که به‌خاطر گستردگی زیاد، تا حدّی استقلال یافته و در نهادهای رسمی آموزش (مدارس، دانشگاه‌ها و...)، جدا بررسی می‌شود، در حالی که از نظر ماهیت، (چنان که ارسطو تصریح کرده است) در شمار هنرهاست. ادبیات، هنر کلامی است، در برابر هنرهای دستی، تصویری - تجسمی، صوتی و...

۱. ادبیات چیست؟، ژان پل سارتر، مترجم: ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: کتاب زمان، ۱۳۷۰.
۲. معنی ادبیات، علیرضا حافظی، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۰.
۳. معنی زیبایی، اریک نیوتن، مترجم: پرویز مرزبان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
۴. معنی هنر، هربرت رید، مترجم: نجف دریا بندری، تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸.
۵. چشم‌اندازی از ادبیات و هنر، رنه ولک و آستین وارن و ادوارد مورگان فوستر، مترجم: غلامحسین یوسفی و محمدتقی (امیر) صدقیانی، تهران: معین، ۱۳۷۰.

پانویس

۱. ↑ عبدالحسین، زرین‌کوب، آشنایی با نقد ادبی، تهران: سخن، ۱۳۷۴، ص ۲۵.
۲. ↑ عبدالحسین، زرین‌کوب، آشنایی با نقد ادبی، ص ۱۴.
۳. ↑ غزالی، ابوحامد، کیمیای سعادت، تهران: حکمت، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۲۳.
۴. ↑ جی‌گریس، ویلیام، ادبیات و بازتاب آن، مترجم: بهروز غریب نژاد، تهران: سیما، ص ۱۵.
۵. ↑ طهماسبی، طغرل، موسیقی در ادبیات، تهران: رهام، ۱۳۸۰، ص ۴.

منبع

پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، برگرفته از مقاله «هنر چیست؟ ادبیات چیست؟»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۶/۴/۲۵.  [[

رده‌های این صفحه : ادبیات داستانی | علوم انسانی | هنر